

فن دستور

فن دستور

دیونوسیوس تراکس

کوروش صفوی

هرمس، ۱۳۷۷

کتاب فن دستور که رساله‌ای کوتاه است، در واقع اولین کتاب منسجمی است که در قرن دوم پیش از میلاد درباره دستور نگاشته شده است.

کتاب حاضر از دو بخش تشکیل شده است. در بخش اول مترجم علاوه بر معرفی نویسنده و تبیین پایگاه فکری او، به ویژگی‌های کتاب و سیر تاریخی دستور نویسی غرب می‌پردازد. همچنین تأثیر این رساله را بر کتابهای پس از خود نشان می‌دهد: «... این بخش که خود زیر بخشهای متعددی را شامل است، با این هدف تهیه شده که با گذر از دوره‌های تاریخی مختلف در نهایت به تاریخچه مطالعات دستوری زبان فارسی منتهی شود و نشان دهد که آنچه امروزه دستور سنتی زبان فارسی نامیده می‌شود، چگونه از فن دستور تأثیر پذیرفته است.»

متن کتاب با تعریف دستور آغاز می‌شود: «دستور مطالعه عملی استعمال عام زبان است نزد شاعران و نثرنویسان.»

تراکس کلمات زبان یونانی را به هشت بخش اسم، فعل، وجه وصفی، حرف تعریف، ضمیر، حرف اضافه، قید و حرف ربط تقسیم می‌کند و قبل از توضیح آنها به تعریف «قرائت، نقطه گذاری، قطعه، اسطقس (حروف) و انواع هجاها» می‌پردازد.

بسیاری از تعاریف و تقسیم بندی‌های کتاب در زبانهای امروزی جاری است. در تعریف فعل می‌خوانیم: «کلمه‌ای است که حالت تصریفی ندارد [= از صرف اسم در حالت‌های نحوی برخوردار نیست] و نمایانگر تغییر زمان شخص و شمار است. فعل بر معلوم یا مجهول بودن نیز دلالت دارد و دارای هشت وصف تالی است: وجه، جهت، نوع، صورت، شمار، شخص، زمان و صرف» و وجه فعل که دستور نویسان فارسی هم بدان معتقدند: «خبری، امری، دعایی، التزامی، مصدری.» و یا تقسیم اسم به جامد و مشتق، خاص و عام و نکره و...»

«رساله فن دستور الگوی بررسی‌های جدا از خود در زبانهای مختلف قرار گرفته است و شاید بتوان بنا به گفته و نظر زبان شناسان: رساله حاضر را نخستین اثر کلاسیک در زمینه زبان شناسی و دستور زبان در سنت غربی خود دانست.»

این کتاب در ۶۸ صفحه و توسط انتشارات هرمس به چاپ رسیده است.

سارا وزیرزاده

درباره بخش تعلیقات نیز چند نکته شایسته یادآوری می‌نماید:

مصحح چنانکه در مقدمه تصریح کرده است از میان شواهد شعری تنها به ترجمه ابیاتی پرداخته که به گفته خود درک صنعت مورد نظر بستگی به ترجمه آنها داشته است، در حقیقت ایشان تنها متعهد ترجمه ابیاتی شده‌اند که متضمن یکی از صنایع معنوی بوده است، این در حالی است که برخی از صنایع معنوی را با این استدلال که از نظر ایشان ارزش بدیعی نداشته و یا دارای ارزش بسیار اندکی بوده، کنار نهاده‌اند؛ اتخاذ چنین رویه‌ای، بخصوص کنار گذاشتن پاره‌ای از شواهد شعری براساس پسند و ذوق شخصی درست به نظر نمی‌رسد، شایسته آن بود که حداقل همه ابیات متضمن صنایع معنوی ترجمه می‌شد. نکته دیگر این که اگر چه ایشان در ترجمه شواهد شعری چنانکه خود اشاره کرده‌اند به سادگی و قابل فهم بودن تأکید داشته‌اند و متذکر شده‌اند: «اگر در ترجمه این ابیات شیوایی و رسایی کاملی مشاهده نمی‌شود از این بابت است» (ص ۱۴) متأسفانه در مواردی نه چندان اندک، چنانکه خود حدس زده‌اند، شیوایی و رسایی در کلامشان به چشم نمی‌خورد، بی‌تردید در هر ترجمه‌ای «رسایی» شرط اولیه است، چگونه ترجمه‌ای می‌تواند از «رسایی» بی‌نصیب ماند و در عین حال قابل فهم باشد، ایشان کوشیده‌اند در ترجمه ابیات به متن وفادار بمانند، اما این وفاداری غالباً به صورت ترجمه تحت‌اللفظی به جلوه در آمده و رسایی و شیوایی و نیز قابل فهم بودن در مولد مولف مغفول مانده است. (برای پرهیز از اطاله کلام از ذکر نمونه صرف‌نظر می‌کنیم).

واپسین نکته اینکه در ارجاعات بخش تعلیقات، بویژه در مواردی که به شرح احوال شاعری پرداخته شده است، وحدت رویه رعایت نشده است، حال آنکه شایسته بود در همه جا شیوه واحدی به کار بسته می‌شد. از این موارد که بگذریم اهتمام جناب آقای جعفری به فراهم آوردن ویرایش تازه‌ای از کتاب ابداع و بدیع و بخصوص تلاش ایشان در ایضاح متن از طریق ترجمه پاره‌ای از شواهد شعری، معرفی برخی از شاعران و افزودن توضیحات سودمند دیگر شایسته قدردانی است، کوششهای ایشان را ارج می‌نهیم و مطالعه و ویرایش جدید ابداع البدایع را به علاقه‌مندان علوم بلاغی توصیه می‌کنیم.

پی‌نوشت‌ها:
۱- شفیعی کدکنی، دکتر محمدرضا، موسیقی شعر، انتشارات آگاه، تهران ۱۳۶۸، چاپ دوم ص ۲۹۲ - ۲۹۴
۲- اخوان ثالث، مهدی، از این اوست، انتشارات مروارید، تهران ۱۳۷۰، چاپ نهم، ص ۲۱۴
۳- نشاط، دکتر سید محمود، زیب سخن، تهران ۱۳۴۲، چاپ اول، ج ۱، ص ۱۷-۱۸-۱۹-۲۷.

دسته از شواهد شعری عربی را که متضمن صنعت یا صنایع معنوی بوده، به فارسی برگردانده است و نیز تعدادی از شاعران کم‌اشتهار را که ابیاتی از آنها در خلال متن آمده معرفی کرده است. در پیشگفتار و تعلیقات مصحح برخی لغزشها و نقائص به نظر می‌رسد که چند نمونه را یادآور می‌شویم:

۱- نثر مصحح در بعضی از صفحات پیشگفتار آشفته و ناپیوسته است، چنین می‌نماید که مصحح محترم با شتاب خاصی این صفحات را نگاشته و فرصت بازنگری و اصلاح نیافته است، بی‌گمان اگر چنین شتابی در میان نمی‌بود کلماتشان گزیده‌تر، جملاتشان منسجم‌تر و نثرشان فاخرتر و پخته‌تر از این می‌بود، چنانکه در نوشته‌های دیگر ایشان تا آنجا که به نظر رسیده چنین است، به عنوان نمونه در سطور پایانی صفحه ۷ مرقوم داشته‌اند: «در بخش ادبیات فارسی و احاطه او به شعر و نثر ادبیات شیرین فارسی نیز وضع دقیقاً به همانگونه است که در این میان پرداختن و توجه به آرایشهای سخن و توان او در علم بدیع جای بسی سخن و جای بسی دقت و تأمل دارد که در جای خود از آن سخن خواهد رفت.»

در صفحه ۱۳ و ۱۴ نیز برخی ناپیوستگی‌ها به نوشته ایشان راه یافته است. دو نمونه زیر از آن جمله است:

«در مورد نحوه ترجمه لازم به یادآوری است که تلاش شده است که به صورت ساده و بی‌پیرایه باشد...» (ص ۱۴)

در نمونه زیر بی‌احتیاطی و شتاب مصحح نثر او را دستخوش اغتشاش و آشفته‌گی افزونتری ساخته است:

«هرجا که اشاره‌ای به نخستین سابقه صنعتی شده است، از پایان نامه کارشناسی ارشد دوست بسیار عزیزم، جناب آقای احمد اصغری استفاده شده است که تحت عنوان «بررسی مسائل مربوط به علم بیان و بدیع در آثار بازمانده از دوره طاهریان و صفاریان و سامانیان» به راهنمایی استاد محترم جناب آقای دکتر نورالدین مقصودی - که در کتاب حاضر نیز از برخی راهنمایی ایشان استفاده کردم و بدین وسیله از ایشان سپاسگزاری می‌کنم - تألیف یافته است.» (ص ۱۴ / با رعایت علائم نگارشی متن)

آنچه را نیز ذیل بند «و» در همین صفحه آورده‌اند از ابهام و ناپیوستگی مصون نمانده است. در صفحه ۱۵ نوشته‌اند:

«و معتقدم که اگر مؤلف از آنها یاد برده بدان خاطر است...» به نظر می‌رسد که «از آنها یاد برده» باید به صورت «از آنها یاد کرده» اصلاح شود.

در صفحه ۱۶ نیز «حضرت سلیمان‌ش» باید به «حضرت سلیمانی‌اش» تغییر یابد تا نادرستی عبارت برطرف گردد.

در یک نگاه

کتاب ماه ادبیات و فلسفه / از دیپشت ۱۳۷۸